

[ طغرا ] فرمان ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیر بادشاه غازی

[ درینوقت ] فرمان عالیشان مرحمت عذوان شرف صدر و عز و درد / یافت که موازی شش بیگه زمین  
از آنجمله سه بیگه از موضع / آگرا برائے خریف تخاقوی نیل در وجه انعام فرنگیان بجهت باغ و گورستان مقرر  
و مفوض باشد / [ می باید که ] جاگیر داران و کروریان حال و استقبال در استمرار و استقرار اینحکم اقدس اعلی  
[ کار بسته ] ..... بتصرف ایشان باز گذاشته اصلاً تغیر و تبدیل [ بدان راه ندهند ] / [ و بعلت مال و جهات  
و اخراجات مثل قفلغه ] ..... و پیشکش و [ جریبانه ] و ضابطانه و مهرانه و داروغگانه و مُحصلانه / [ و صد دوتی ]  
قانونگویی و ضبط [ هر ساله تشخیص ]<sup>۳</sup> و تکرار زراعت و کل تکالیف دیوانی [ مزاحمتی نوسانند ]  
و مطالبی نکند و از جمیع وجوہات مُعاف و مسلم / [ شمارد و درین باب ] ..... هر ساله فرمان و پروانچه  
مُجدد [ نطلبند و اگر ] در محلی دیگر زمین داشته [ باشد آنرا اعتبار نکند ] در عهده دانند تحریر فی التاریخ